

کوتی شهبون



بدون نشستی

دوست دارید در آینده چه کاره شوید؟
 به نام پدر، پسر، روح القدس ما دوست داریم در آینده قایقهای تندرو «مید این ایران» بسازیم.

چون آنها خیلی خفن هستند. این را عمو پیتز که یک سرباز در ارتش کشور عزیزمان یواس‌ا است تعریف می‌کرد. او سرباز شجاعی است. او همیشه حواسش به پوشکش می‌باشد تا یک وقت نشستی نداشته باشد و تا الان گاد را شکر هیچ‌وقت نشستی نداشته و ما را سربلند کرده است.

او می‌گفت: یکبار که با فرماندهان فیلم جنگی زیاد دیده بودیم به سرمان زد که در خلیج فارس دوری بزنیم و گنگ بالای سامانه‌های رادارگیزمان را به ایرانی‌ها نشان بدهیم. اما هنوز پای‌مان به آب‌هایشان نرسیده بود که قایق‌های تندروشان عین زنبورهای سرخ ریختند سرمان و ما نفهمیدیم این قایق‌ها از کجا آمدند.

عمو پیتز گفت: ایرانی‌ها خیلی تیز و بز هستند. قایق‌هایشان فوری در صحنه حاضر می‌شود انگار از وسط آب جوانه می‌زنند. عمو گفت: اگر این قایق‌ها روی کسی پيله کنند تا فادر صاحب تجاوزکننده به خاک کشورشان را به عزایش نشانند ول کنش نیستند.

عمو پیتز من با وجود این قایق‌های خفن اطرافش بازم هم نشستی نداشته. چون عمو پیتز با بغض، جان شوهر عمه الیزابت را قسم خورد ما باور کردیم که او نشستی نداشته است ولی چشمک زدنش را به بابای‌مان هم دیدیم.

ما از داستان عمومی‌مان نتیجه می‌گیریم که پيله کردن کار خوبی نیست. مخصوصاً برای قایق‌های تندرو. پس من هم می‌خواهم قایقی بسازم که پيله نکند.



از دست دکتر...

تو بالا می‌روی هر دم زیادت می‌شود دردم بین از دست تو آخر دلار، من چه روز دردم مطابق با طبیعت رشد هم یک سیر معمولی است نه که دولاً و پهنا این همه بالا روی هر دم

اگر با مثل تو سیر صعودی داشت در لحظه شماره کفش می‌شد اووووه فکرش را نمی‌کردم

اگر بی‌قاعد «بینی» چنین شیب از تورم داشت دماغ پنبونکی بود، جزئی از برآوردم

اگر سنگی صوری کرد روزی لعل خواهد شد گمانم طاق شد صبرم، از اینجا سردرآوردم

دمار از من درآوردی نمی‌گویی درآوردم درآوردی، من ابله ولی دم برنیاوردم

شده سر باتری مغزم، بیا پایین از آن بالا نمی‌آی؟ نیا، من باتری خود را درآورم...



گمشده

یک نفر از خبرنگاران پر دل و جرأت رژیم صهیونیستی در طی آتش‌بس گمشده است. بابت همیشه شجاعانه جوری با سرعت وارد پناهگاه می‌شد که خود از زیر خطر هم عقب می‌ماند.

از افراد آینده شجاعی که هنوز در پناهگاه‌ها هستند تقاضا می‌کنیم که اگر وی را پیدا کردند به او بگویند که آتش‌بس شده است و از پناهگاه بیرون بیاید تا از مدال افتخار شجاعت بی‌نصیب نماند. با تشکر مدیریت شبکه اینترنت‌نشان

زنانوی خاکی ارتش اول جهان

سجاد گل‌پور

بی‌بی‌سی: کسی این ماله منو ندیده؟
 اینترنشنال: ماله‌ت پیش منو دیقه دیگه میارم.

آتش بس است، دیگر تماش کنیدا!

ترامپ: کار خودمو نه!

حماس به اسرائیل: بودی حالا!

نتان: راستی چی شد... چه جور شد!

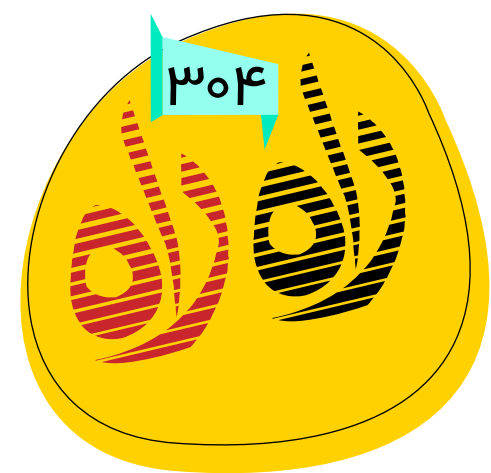
زن بن گویر: بیا بیرون از زیر پتو تموم شد.

صهیونیست شهر کنشین: من از پناهگاه بیرون نمیا! گفته باشم.

بن گویر: به استغای دسته‌جمعی مون نشه؟

یمن... نه... بذار ببینم چی میخاد بگه؟

ساکنان جهنم: یعنی دیگه مهمون نداریم؟



طوبی عظیمی نژاد

بیانیه‌ای برای روشنگری

با تشکر و سپاس فراوان از شما عزیزان که ما را درک می‌کنید. تشکر از وزاری که ماندند، آنهایی که رفتند و حتی آنهایی که مردند. ما عقلا و بزرگان اسرائیلی بعد از ۴۶۷ روز جنگیدن با انواع توپ و تانک و اسلحه و حتی جنگ و دندان در مقابل حماس ماندیم، زانو زدیم، خمیدیم اما نیفتادیم ولی با توجه به خوار و خفیف شدن ارتش یک جهان در مقابل دیدگان مردم دنیا آن هم در مقابله با یک عده که فکر می‌کنند دنیا همان باریکه‌های پیش نیست، بر آن شدیم که درخواستی رسمی برای آتش‌بس به حماس بدهیم.

جنگجویان حماس خیلی لجباز و یکدنده و یک کلام هستند بنابراین مجبور شدیم واسطه‌ای جور کنیم تا آنان را پای میز مذاکره بکشاند. لازم به ذکر نیست چرا که خودمان می‌دانیم بمب‌های زیادی خرج نابدی آنها کرده بودیم ولی نتوانستیم بند تنبانشان را هم بگیریم. از طرفی ترامپ هم فرت و فرت زنگ می‌زد که «هیچ‌معلوم هست دارید چه غلطی می‌کنید پدرسوخته‌ها؟ یا پرچم سفید را بالا می‌برید یا با چوب همان پرچم آنجان تنبیه‌تان کنم که در تاریخ بنویسند».

ما هم شروطنی پیش پای حماس گذاشتیم تا نشان دهیم که برنده میدان شده‌ایم و حرص دل‌مان را هم خالی کرده باشیم. اما آنها معلوم نبود این درس‌ها را کجا خوانده و این مشق‌ها را کجا کرده‌اند که هر چه در چننه داشتیم رو کردیم ولی آن‌ها بدلش را به ما زدند. ما از یکی شنیدیم که سیاست فشار از بالا و چانه‌زنی از پایین خوب است و جواب می‌گیریم. پس تا می‌توانستیم از بالا بمب می‌انداختیم و در جلسات زانو می‌زدیم که پایین تر از آنها باشیم امیدواریم سیاست چانه‌زنی از پایین خوب و درست اجرا شده باشد. حماس نه با فشار نه با چانه‌زدن کوتاه نیامد و مثل یحیی سنوار روی صندلی قدرت نشسته بودند و ول کن قضیه نبودند.

بنابراین به اجبار، زمین و توپ را به آنها دادیم تا به صلح مجبورشان کنیم. حماس آنقدر بمب خورده بود که خودش شبیه بمب‌افکن شده بود. آنها فهمیده بودند که کم آوردیم پس تا نتوانستند ما را با درخواست‌هایشان بیچاران کردند. حالا درست است که ما به این صلح نیاز داشتیم اما نمی‌خواستیم حماس فکر کند که بچه زرنگ است و پیروز میدان شده است بنابراین هر شرطی که گذاشتند فقط با قاطعیت گفتیم: چشم.

البته این صلح دستاوردهای زیادی برای‌مان داشت مثلا اینکه فهمیدیم سربازان حماس مانند کمک‌های آمریکا به ما تمام نمی‌شوند. دیگر اینکه ما فهمیدیم فلسطینی‌ها بدون آب و غذا نمی‌میرند و حتی تکثیر هم می‌شوند بنابراین اگر دوباره جانی در بدن‌مان و سربازی در پایگاه‌های‌مان مانده بود و البته آمریکا هم مالیات‌های بیشتری از مردمش گرفته بود تا خرج‌مان کند، پیروز می‌شویم.

ولی چه خوب شد که صلح کردیم. چون اگر چند روز دیگر ادامه دار میشد مجبور بودیم بن‌گویر و لانی‌ر لاپید را هم به جنگ بفرستیم. ما عقلا اسرائیلی با این بیانیه خواستیم از همه تشکر کنیم که نتوانستند حماس را مجبور کنند از تونل‌های‌شان بیرون بیایند. هر چند برای جشن پیروزی باشد.

این صلح حاصل عقل جمعی ما بزرگان قوم یهود است. از اینکه نتوانستیم سایه جنگ را از سرتان برداریم از خودمان تشکر می‌کنیم. از ترامپ هم ممنونیم که با توپ و تشره‌هایش ما را به سمت صلح کشاند. ما چون وسط معرکه بودیم و داغ بودیم نمی‌فهمیدیم که حماس دارد نسل‌مان را منقرض می‌کند.

پاتوش شاعرها

زگره مردم چشم نشسته در خون است
 که دست خالی‌اش از من پدر درآورده

ساکن نمی‌شود نفسی آب چشم من
 از بیست و پنج سال چقدرش گذشته است؟!

آدمی را چشم عبرت‌بین اگر باشد بس است
 چشم عبرت‌بین ندارد این نتان، چون ناکس است

همی‌بینم از دور گردون شگفت
 سگ‌ها در منطقه شد گفت

در صورت تجربه بیکار شدن از شغل قبلی خود
چه‌کار باید کرد؟

حافظ / مرثیه قاسمی

سعدی / فرشته پناهی

سعدی / آینه آل اسحاق

سعدی / علی یگانه

حافظ / مرثیه ملکیان

می‌گفت نتایها: لعنت به تو آتش بس!
بعد از تو روا باشد، نقض همه پیمان‌ها

آینه آل اسحاق / سعدی

جنگ نمی‌کنم اگر دست به تیغ می‌برد
پوشک من چونیل شد جنگ بس است ای نتان!

سعدی / جواد فرخ محمدی

گفت‌وگوی کفر و دین، آخر به یک‌جامی کشد
بز می‌آرد بی‌بی و آتش بس امضا می‌شود

سعدی / آینه آل اسحاق

در اعماق ۵۰۰ متری

به گزارش خبرنگار ما، ایران از شهری موشکی رونمایی کرده که مو را به تن دشمنانش میخ‌طوله می‌کند. گفته‌ها حاکی از آن است که این شهر موشکی عامل شقای چشم و گوش بسیاری از دولت‌ها از جمله آمریکا و اسرائیل شده. در بین شقایفتگان نام انگلیس با لقبی که ایرانیان به او داده‌اند «زوباه پیر» نیز مشاهده می‌شود. طبق آخرین آمار به دست آمده، هم‌زمان با نمایش تنها یکی از این شهرهای مخفی سپاه در اعماق ۵۰۰ متری خلیج‌فارس، هزینه ثبت‌نام کلاس‌های آموزش شنا برای شهروندان صهیونیست به شدت گران شده و همین عامل موجب تشدید اعتراضات گردیده.

این در حالی است که سرلشکر سلامی از آمادگی اجرای ماموریت شناورها و موشک‌اندازها در تنگه هرمز خبر می‌دهد. شاهدان عینی گفته‌اند با رونمایی از هر قسمت شهر موشکی نتایهاوی یک سکنه ریز را رد کرده و ترس آن می‌رود که دره‌دز جمع گردد وانگهی...

خبرنگار ما گزارش می‌دهد که از لحظه آغازین این رونمایی تا کنون بیشترین جست‌وجو در گوگل به قیمت خرید دستگاه اکسیژن‌ساز، نحوه ماساژ قلبی برای خروج از شوک و درمان خانگی فشارخون عصبی اختصاص یافته.

شهر زیرزمینی سپاه تحلیلگران سلطنت‌طلب را به خط کرده تا با زیرسوال‌بردن دستاورد عجیب ایران به خود دلدرای بدهند بلکه آمار تلفات‌شان کاهش یابد.

در ساعت اولیه این رونمایی، شخصی با عنوان ربیع پهلوی با خبرنگار ما تماس گرفته و عنوان کرده می‌دانستم کار خودشان است. وی معتقد است فیلم پخش شده از تلویزیون ایران با استفاده از پرده سبز ضبط شده به همین خاطر لباس‌های فرماندهان‌شان سبز رنگ است!

طبق گزارش رسیده هم‌زمان با پخش صحبت‌های سردار سلامی در رابطه با جهش قابل توجه برد دریانوردی، سرعت دریانوردی شناورها، برد موشک‌های مستقر بر این شناورها و همچنین دقت و قدرت تخریب آنها، تلویزیون‌های ماهواره‌ای برفک پخش کرده‌اند.

مرثیه قاسمی

عقب‌نشینی می‌کنیم!

بایدن به تو قول چه داده، موشک و پول؟
 از حرف‌های یک مذبذب خورده‌ای گول

او که خودش هم، حزب باد است و ندارد
 هیچ اختیاری از خودش، آقای گاگول

یادش بخیر آن روزهای قبل شبیه
 مثل سوپرمن می‌دیدی می‌زدی وول

در خواب خوش بودی شدی یک‌دفعه‌ای خفت
 درجا پریده از سرت هم حال و هم هول

تا پا شوی پوشک کنی پایت، رسیدند
 از بس که فس‌فس کردی و هی دادی‌اش طول!

فورا امانات را بریدند و ندادند
 یک فرصت کوتاه، حتی قد ویر گول

حالا گذشته پانزده ماه کذایی
 رفتی عقب، خیلی عقب بی‌حرف و بامبول

اصلاً به خوابت هم نمی‌دید که غزه
 کولی بگیرد از شمای ظاهرا غول!

نیازمندی‌ها

فروش فوری
 یک عدد گنبد آهنین که صرفاً
 نظاره‌گر موشک‌های حماس بوده به
 فروش می‌رسد.
بدون جای سالم، تضمینی

تعدادی تانک به‌علت ترکیدگی و از رده
 خارج، واگذار می‌شود
 ارتش اول خاورمیانه!

اسلحه شکسته، تانک مراکوی پاره، گنبد
سوراخ‌خرداریم
ضایعاتی برداردان شمعون

جهت تکمیل کادر وزارتخانه‌ها به
تعدادی صهیونیست نیازمندیم
ترجیحا سنگدل و بی‌مغز
دفتر نخست‌وزیری اسرائیل

به یک سینه جهت سپردن در برابر اعتراضات
نیازمندیم
نخست‌وزیر اسرائیل

آیا از وزن زیاد خود خسته شده‌اید؟
زندان‌های اسرائیل مجهز به آب کردن
استخوان!
تضمینی بدون بازگشت

ضمیمه طنز راه راه کاری از

دبیر سرویس نشر: طوبی عظیمی نژاد
 دبیر سرویس شعر: فریبا رهنسی
 دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
 صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

راه‌های ارتباطی
 مجموعه رسانه‌های باشگاه طنز و
 کاریکاتور انقلاب اسلامی
<https://zil.in/bashgahtanz>